

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی - آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

بررسی راهکارهای یادگیری واژگان زبان فارسی توسط غیر فارسی  
زبانان و عوامل موثر بر آنها

توسط

حمید کیان مهر

استاد راهنما

دکتر محمد رحیمی

۱۳۸۸/۶/۱۱

استاد اطلاعات مدرسه علمی بزرگ  
تیم بهارک

تیرماه ۱۳۸۸

۱۱۶۰۲۱

به نام خدا

## اظهار نامه

اینجانب حمید کیان مهر دانشجوی رشته ی زبانشناسی گرایش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: حمید کیان مهر

تاریخ و امضاء: ۸۸/۴/۱۷



به نام خدا

بررسی راهکارهای یادگیری واژگان زبان فارسی توسط غیر فارسی زبانان و  
عوامل موثر بر آنها

توسط:

حمید کیان مهر

پایان نامه ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های  
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

زبان‌شناسی

گرایش:

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان-

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی-

..... دکتر محمد رحیمی، استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی (رئیس کمیته)

..... دکتر رحمان صحراگرد، دانشیار بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی

..... دکتر آیت ا... رزمجو، استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی

تیرماه ۱۳۸۸

تقدیم به:

همسر و همراه همیشگی ام

دخترم مریم

که بی همراهی و همکاری آنها ادامه تحصیل برایم مقدور نبود.

## سپاسگزاری

در تدوین این پایان نامه از هدایت و راهنمایی‌های بزرگانی سود جست‌ام که آشنایی با آنها و استفاده از علم والای ایشان از افتخارات اینجانب است.

در طول نگارش این پایان نامه همواره از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر محمد رحیمی بهره فراوان برده‌ام و خود را مدیون راهنمایی‌های ارزشمند استاد بزرگوار می‌دانم و از ایشان بی نهایت سپاسگزارم.

جناب آقای دکتر صحراگرد مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشته‌اند که از پیشنهادهای راهگشای ایشان نیز بهره فراوان برده‌ام و محبت‌های ایشان را سپاسگزارم.

همچنین از جناب آقای دکتر رزمجو نیز که مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشته‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم و راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان را صمیمانه سپاسگزارم.

از دوستان گرانقدر آقایان مهرباب قاسم زاده و نوید برادران به خاطر کمک‌های بی‌دریغشان تشکر و قدردانی می‌کنم.

همسر مهربانم در طول تحصیل و در مراحل انجام پایان نامه همواره مشوق و یاور من بوده‌اند که بی شک بدون کمک ایشان به طور کلی ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد برایم غیر ممکن بود، همواره مدیون و سپاسگزار محبت‌های ایشان هستم.

از گروه زبان و زبانشناسی دانشگاه شیراز نیز که در انجام این پایان نامه همکاری نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم.

## چکیده

### بررسی راهکارهای یادگیری واژگان زبان فارسی توسط غیر فارسی زبانان و عوامل موثر بر آنها

توسط

حمید کیان مهر

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی راهکارهای یادگیری واژگان زبان فارسی توسط غیر فارسی زبانان و عوامل موثر بر آنها بود. به همین منظور پرسشنامه ای شامل سه بخش درباره نگرش فراگیران، راهکارهای یادگیری واژگان و سوابق شخصی تهیه و به تعدادی از دانشجویان خارجی که در دانشگاه بین المللی قزوین در حال یادگیری زبان فارسی بودند، داده شد تا به سئوالات آن پاسخ دهند. با تعدادی از این دانشجویان نیز مصاحبه ای به مدت بیست دقیقه به منظور تأیید یافته های پرسشنامه انجام شد. اطلاعات جمع آوری شده در نرم افزار SPSS محاسبه گردید و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که نگرش فراگیران در استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان موثر است اما بر زیرگروه های آنها به تنهایی تأثیری نداشته است. بسندگی فراگیران در استفاده از این راهکارها تأثیر معنی داری نداشته است اما بر زیر گروههای آنها فقط بر یک راهکار یعنی یادگیری واژگان بوسیله تصاویر و فعالیتهای فیزیکی که دارای بیشترین دامنه کاربرد در بین فراگیران بود تأثیر گذاشته است. معمولاً فراگیران خارجی بیشتر از راهکارهایی که نیاز به فرایند های شناختی عمیقی ندارند و مکانیکی هستند مانند یادگیری واژگان بوسیله تصاویر، فعالیت های فیزیکی و نام گذاری برای یادگیری واژگان زبان فارسی استفاده می کردند و از راهکارهایی که نیاز به فرآیندها و درک شناختی بیشتری داشتند مانند یادگیری واژگان بوسیله ی بخش کردن کمتر استفاده می کردند. با آگاهی از این راهکارها می توان آموزش بهتر و کارآمدتری داشت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه
۱	۱-۱ پیشگفتار
۶	۲-۱ هدف تحقیق
۷	۳-۱ سؤالات تحقیق
۷	۴-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق
۸	۱-۴-۱ دلایل بی توجهی به واژه در گذشته
۹	۲-۴-۱ دلایل تاکید امروزه بر واژه
۱۱	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه عملی پژوهش
۱۱	۱-۲ مقدمه
۱۲	۲-۲ راهکارهای یادگیری
۱۶	۱-۲-۲ عوامل موثر بر راهکارهای یادگیری
۱۶	۱-۲-۲-۱ ارتباط بین بسندگی و راهکارهای یادگیری
۱۸	۳-۲ راهکارهای یادگیری واژگان
۱۹	۱-۳-۲ قبل از ۱۹۷۰
۲۰	۲-۳-۲ بعد از ۱۹۷۰
۲۷	۴-۲ نگرش یادگیری زبان
۲۹	۱-۴-۲ بررسی گستره و اهمیت نگرش یادگیری زبان
۲۹	۲-۴-۲ مطالعات تجربی
۳۲	۳-۴-۲ نگرش یادگیری و راهکارهای یادگیری زبان
۳۵	فصل سوم: روش پژوهش
۳۵	۱-۳ مقدمه



عنوان	صفحه
۲-۳ آزمودنیها .....	۳۵
۳-۳ ابزار اندازه گیری .....	۳۵
۴-۳ جمع آوری و تحلیل داده ها .....	۳۷
فصل چهارم: یافته ها .....	۳۸
۱-۴ مقدمه .....	۳۸
۲-۴ سؤال تحقیق ۱: فراگیران خارجی زبان فارسی تا چه اندازه از راهکارهای یادگیری واژگان استفاده می کنند؟ .....	۳۸
۳-۴ سؤال تحقیق ۲: آیا نگرش فراگیران خارجی بر استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان و زیر گروههای آنها تاثیر دارد؟ .....	۵۰
۴-۴ سؤال تحقیق ۳: آیا سطح بسندگی فراگیران بر استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان و زیر گروههای آنها تاثیر دارد؟ .....	۵۴
۵-۴ نتایج مصاحبه .....	۵۸
فصل پنجم: نتیجه گیری .....	۶۰
۱-۵ مقدمه .....	۶۰
۲-۵ خلاصه .....	۶۰
۳-۵ نتیجه گیری .....	۶۱
۴-۵ پیشنهاداتی برای تحقیقات بیشتر .....	۶۲
۵-۵ کاربرهای آموزشی .....	۶۳
۶-۵ محدودیتهای تحقیق .....	۶۴
فهرست منابع و مآخذ .....	۶۵
پیوست ۱ .....	۷۲
پیوست ۲ .....	۷۳

## فهرست جداول

صفحه	عنوان و شماره
۳۹	جدول ۱-۴ میانگین زیر گروههای مختلف در استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان
۴۵	جدول ۲-۴ مقایسه زوجی راهکارها از طریق اندازه گیری مکرر
۴۶	جدول ۳-۴ مقایسه زوجی راهکارها از طریق اندازه گیری مکرر
۴۷	جدول ۴-۴ مقایسه زوجی راهکارها از طریق اندازه گیری مکرر
۴۸	جدول ۵-۴ مقایسه زوجی راهکارها از طریق اندازه گیری مکرر
۴۹	جدول ۶-۴ مقایسه زوجی راهکارها از طریق اندازه گیری مکرر
۵۱	جدول ۷-۴ تاثیر نگرش فراگیران بر استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان
۵۱	جدول ۸-۴ آزمون تی غیر وابسته
	جدول ۹-۴ تاثیر نگرش بر زیر گروه های راهکارهای یادگیری واژگان از طریق آزمون
۵۳	واکاوی واریانس
۵۴	جدول ۱۰-۴ آمار توصیفی راهکارهای یادگیری واژگان در دو گروه بسندگی
۵۵	جدول ۱۱-۴ آزمون تی غیر وابسته
	جدول ۱۲-۴ تاثیر بسندگی بر زیر گروه های راهکارهای یادگیری واژگان از طریق
۵۷	آزمون واکاوی واریانس

## فهرست شکل ها و نمودارها

صفحه	عنوان
۳۳	شکل ۱-۲ مدل یادگیری زبان آبراهام و وان
	نمودار ۱-۴ میانگین استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان فراگیران خارجی
۴۰	دانشگاه قزوین

## فصل اول

### مقدمه

#### ۱-۱ پیشگفتار

زبان از پیچیده ترین پدیده هایی است که انسان از ابتدای تاریخ با بکارگیری آن در ابعاد گوناگون زندگی، پیشرفت و تمدن را روز به روز در حدی افزونتر برای خویش حاصل کرده است. زبان آینه ای است برای انعکاس پیچیدگی ذهن انسان که خصوصیتی مشترک میان همه نوع بشر است. پس طبیعی می نماید که آنچه در اکثر جوامع بشری با مفهوم زبان بیان می شود در همه آنها نکات و ویژگی های مشترکی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر زبانهای گوناگون دنیا با وجود تفاوت های ظاهری مشترکات بسیاری دارند. این مشترکات زمینه را برای ایجاد علم زبانشناسی و در سطح محدودتر روش تدریس زبان فراهم نموده است.

زبان یکی از نهادهای بنیادی جامعه و مهم ترین ابزار ارتباطی میان افراد جامعه است. یکی از راههای حفظ و تقویت جامعه، حفظ و تقویت زبان است. از روشهای اصولی حفظ و تقویت زبان، آموزش و گسترش زبان در خارج از قلمروی جغرافیایی و سیاسی یک کشور است، که بستر مناسبی را برای حفظ و تقویت جامعه بوجود می آورد. از این رو آموزش و گسترش زبان باید در چارچوب اصول آموزشی و با بهره گیری از شیوه های علمی و راهکارهای برتر و موثر، صورت بگیرد.

در هر اجتماعی قراردادهای زبانی خاصی حکمفرماست. از این رو زبانهای گوناگون در دنیا یافت می شوند که از نظر سیستم زبانی با هم متفاوتند. در علم زبانشناسی و آموزش زبان، مطالعات زیادی راجع به ماهیت، عملکرد، نحوه یادگیری و نحوه آموزش زبان انجام شده است. بطوری که نتایج این مطالعات، به همراه یافته های علوم روانشناسی و جامعه شناسی زبان، نگرشهای نوینی را در اختیار علاقه مندان مسائل زبانی قرار داده است. ملاحظات روانشناسی با توجه به نوع کارکرد ذهن در موجود انسان، حاکی از روند مشابه سیستم پردازش اطلاعات در

زبان آموزان است. اما جامعه شناسان زبان از متغیرهایی چون سن، جنس، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل تعریف خاصی ارائه داده اند و تقریباً از زبانی به زبان دیگر متفاوت است.

دیکاریکو<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، معتقد است که زبان به مهارتهای شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن تقسیم می شود. هر یک از مهارتهای کلان به مهارتهای کوچکتر دیگری تقسیم می شود که به آنها مهارتهای خرد یا ریز مهارت گفته می شود. مهارتهای کلان و خرد در یادگیری زبان نقش مهمی ایفا می کنند. در واقع ایجاد ارتباط زبانی با استفاده از تسلط و مهارتهای زبانی اعم از خرد و کلان امکان پذیر است. در ارتباط زبانی، از یکسو زبان به معنا و از سوی دیگر معنا به زبان تبدیل می شود. به همین منظور مهارتهای زبانی به دو گروه دریافتی و تولیدی تقسیم می شوند. در مهارتهای دریافتی<sup>۲</sup>، شنیدن و خواندن، زبان به معنا و در مهارتهای تولیدی<sup>۳</sup>، نوشتن و صحبت کردن، معنا به زبان تبدیل می شود. در یادگیری زبان به مهارتهای دریافتی تأکید زیادی شده است. زیرا همچنانکه کرشن<sup>۴</sup> (۱۹۸۰)، می گوید عقیده بر این است که اگر زبان آموز در ابتدا به اندازه کافی در معرض مهارتهای دریافتی (اطلاعات زبانی) قرار بگیرد، سرانجام به مرحله مهارتهای تولیدی نیز دسترسی می یابد.

اطلاعات زیادی تحت عنوان اطلاعات درون دادی<sup>۵</sup> به وسیله مهارتهای خواندن و نوشتن یعنی از طریق چشم و گوش قابل دریافتند. بنابراین واژگان از جمله ریز مهارتهایی است که در یادگیری زبان و نهایتاً فرایند ارتباط نقش بسزایی بازی می کنند و استفاده از راهکارها و استراتژی های آنها باعث افزایش تسلط و آگاهی زبانی می شود.

گائو<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، بیان می کند امروزه در ارتباط با مردم، ما تعداد نامشخصی از گفتارها و جملات را بیان می کنیم. ما غم و اندوه، تأسف، خوشحالی یا بهتر است بگوییم احساسات عاطفی، تنفر، رضایت، عصبانیت، دوستی و غیره را با استفاده از این گفتارها اظهار می داریم. این جملات و گفتارها تجلی سیستم پیچیده ارتباطی که زبان نامیده می شود، می باشد. زبان وسیله ارتباطی انسان است نه فقط تنها وسیله بلکه مطمئناً مهمترین وسیله ارتباطی انسان است. افراد از دانش مشترک نهفته زبانی خودشان یا توانش زبانی<sup>۷</sup> برای ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند. این توانش زبانی مستلزم مهارت بر سیستم گسترده قواعد، که آنها را قادر به

---

<sup>۱</sup> . Decarrico  
<sup>۲</sup> . receptive  
<sup>۳</sup> . productive  
<sup>۴</sup> . Krashen  
<sup>۵</sup> . input  
<sup>۶</sup> . Gao  
<sup>۷</sup> . competence

رمزگذاری<sup>۱</sup> و رمزگشایی<sup>۲</sup> تعداد نامحدودی از گفتار زبان می‌کند، می‌باشد و تبادل نظرات با افراد دیگر از طریق کنش زبانی<sup>۳</sup> است، که می‌تواند به صورت گفتار یا نوشتار باشد. جملات و گفتارهایی که به وسیله افراد بیان می‌شوند، متشکل از بعضی زنجیره‌های واحدهای کوچکتر که واژگان نام دارند، می‌باشند. لیون<sup>۴</sup> (۱۹۸۵: ۲۲)، بیان می‌کند که "جملات می‌توانند به وسیله ترکیبی از واحدهای معنادار که واژگان نامیده می‌شوند، بوجود بیایند." ویکلینز<sup>۵</sup> (۱۹۸۷: ۶)، می‌گوید که "واژگان کوچکترین واحدهایی هستند که می‌توانند به صورت مستقل بیایند. بدون آنها زبانهای دنیا نمی‌توانند زبانی<sup>۶</sup> داشته باشند." در هنگام ارتباط با یکدیگر، به صورت گفتار یا نوشتار، افراد هزاران واژه یا بهتر است بگوئیم سلیلی از واژگان استفاده می‌کنند. این زنجیره واژگان به صورت تصادفی در کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند، بلکه بوسیله تعدادی قواعد نحوی، معنایی، دستوری، محتوایی و غیره به صورت خوش ساخت بوجود آمده‌اند. این قواعد ما را قادر می‌سازند که جملات و گفتارهای جدیدی را که قبلاً هرگز تولید یا نشنیده ایم را درک کرده یا تولید نمائیم.

جدید بودن جملات بیانگر این نیست که قواعد دستوری آن جدید است. چون ما می‌توانیم صدها جمله متفاوت با ساختار زیربنایی مشابهی با قواعد نحوی یکسانی بوسیله تغییر دادن یا جایگزین کردن واژگان آنها بسازیم. اگر چه تعداد جملات بالقوه هر زبانی نامحدود است ولی ابزارهایی که استفاده می‌شوند محدودند. در چنین مواقعی ممکن است تازگی جملات به خاطر جدید بودن واژگان مورد استفاده باشد یعنی اینکه چارچوب دستوری دست نخورده، اما واژگان متفاوت در چارچوب ساختاری یا دستوری جمله بکار روند. مطمئناً اگر واژگان بیشتری را بدانید، ساختن جملات جدید آسانتر خواهد بود. این نشان دهنده زبانی زبانها و از سوی دیگر، اهمیت واژگان و نقش مهمی که آنها برای ساخت جملات و گفتارهای جدید دارند، می‌باشد. یعنی هر چه سطح دانش واژگان زبان آموزان بیشتر باشد می‌توانند جملات بیشتری را تولید کنند.

بنای ارتباط انسانها بر پایه واژگان استوار است. آنها تنها ابزار ارتباط نیستند بلکه نقش‌های مهم و قدرتمند تری دارند. تقریباً همه مردم حتی افراد بی‌سواد در سن خاصی به بلوغ دستور زبان می‌رسند و قادر خواهند بود که در هنگام گفتگو با افراد دیگر جملات دستوری را تولید و درک کنند. کامینز<sup>۷</sup> (۱۹۹۷) به نقل از ولمر<sup>۱</sup> (۱۹۹۳)، ذکر کرده است که هر کس بجز بچه‌های

۱ . encoding  
۲ . decoing  
۳ . performance  
۴ . Lyon  
۵ . Wilkins  
۶ . productivity  
۷ . Cummins

مبتلا به اوتیسم<sup>۲</sup> و عقب ماندگی ذهنی، مهارتهای اصلی زبان بومی خود را، صرفنظر از ضریب هوشی یا استعداد فرا می گیرند. ریچارد<sup>۳</sup> (۱۹۷۶ به نقل از توادل<sup>۴</sup> ۶۱: ۱۹۷۳)، "مدعی است که گویندگان بومی زبان تمام قواعد نحوی و آوایی زبان خود را در سنین اولیه زندگی خود فرا می گیرند. با این حال، همان گویندگان بومی در طول زندگی دامنه واژگان خود را افزایش می دهند و هرگز نمی توان گفت که آنها تمام عناصر واژگانی زبان خودشان را فرا گرفته اند."

همچنانکه از نقل قول بالا برمی آید افراد همیشه در حال افزایش گنجینه واژگانی خود هستند. کریشنا<sup>۵</sup> (۱۹۷۵ به نقل از هتچ<sup>۶</sup> ۱۹۷۹)، در ارتباطات روزمره، ما تقریباً هرگز با افرادی مواجه نمی شویم که نتوانند عقاید و نظراتشان را از لحاظ دستوری بیان کنند. بنابراین تا حدی غیرعادی است بینیم افرادی، برای ساختار و دستور زبان آنچه را که بیان میکنند، تأمل و درنگ کنند. در حالیکه در مورد واژگان چنین نیست. ما افرادی زیادی را می بینیم حتی افراد تحصیل کرده و با استعداد، که در مورد واژگان مناسبی را که می خواهند در گفتار یا نوشتار بکار ببرند، فکر و تأمل می کنند. وقتی که گنجینه واژگان ما به اندازه کافی غنی باشد، ما احساس اعتماد به نفس و اطمینان بیشتری برای برخورد با موقعیتهای متفاوت داریم.

هیلتون و هاید<sup>۷</sup> (۱۹۹۵)، بیان می کنند که ما نیاز به اندوخته واژگان غنی داریم زیرا واژگان ابزار قدرتمندی برای ایجاد ارتباط است. واژگان و زبان را به عنوان کلیدی برای هویت انسان می دانند. کاتامبا<sup>۸</sup> (۱۹۹۵: ۳)، می گوید که "ما ارباب هستیم و واژگان پیش خدمتان ما هستند."

لوفر<sup>۹</sup> (۱۹۸۶: ۶۹) استدلال می کند که: "هیچ یادگیری زبانی، اول، دوم یا خارجی، کودک یا بزرگسال، بدون فراگیری واژگان اتفاق نمی افتد. الگوهای آوایی زبان بدون عناصر واژگانی، صداهایی بی معنا هستند. قواعد گرامری نیز به تنهایی بی معنا هستند مگر این که آواهای خاصی را به معنای ویژه مرتبط سازند." واژگان در بیشتر کلاسها به صورت دوره ای جداگانه مانند خواندن، نوشتن، گوش کردن، صحبت کردن تدریس نمی شود. در تمام دوره های زبانی در زبان اول یا دوم دوره های برای دستور زبان در سطوح ابتدایی، متوسطه و پیشرفته وجود دارد ولی معمولاً به ندرت دوره ای در زمینه واژگان وجود دارد.

<sup>۱</sup> . Volmer

<sup>۲</sup> . autistic

<sup>۳</sup> . Richard

<sup>۴</sup> . Twaddle

<sup>۵</sup> . Krishna

<sup>۶</sup> . Hatch

<sup>۷</sup> . Hilton & Hider

<sup>۸</sup> . Katamba

<sup>۹</sup> . Laufer

به نظر می رسد که واژگان مهمترین سنگ بنای هر زبانی محسوب می شوند. هر موقع که ما چیزی را تولید می کنیم به صورت گفتار یا نوشتار از واژگان استفاده می کنیم و آنها مهم ترین عناصر زبان ها تلقی می شوند.

ریورز<sup>۱</sup> (۱۹۸۳ به نقل از نونان ۱۱۷:۱۹۹۱)، استدلال می کند که " برای استفاده از زبان دوم، یادگیری واژگان کافی ضروری است، زیرا ما نمی توانیم با استفاده از ساختارهای یاد گرفته شده بدون دانستن واژگان کافی، ارتباط کاملی داشته باشیم."

توادل (۱۹۷۳:۶)، معتقد است که " یادگیری واژگان کافی، یکی از مراحل یادگیری زبان خارجی است که می تواند یکی از مهم ترین مسائل برنامه های عملی زبانهای خارجی باشد." همانگونه که معلمان زبان دوم یا زبان خارجی متذکر شده اند، یادگیری عناصر واژگانی یکی از مهم ترین جنبه های یادگیری هر زبانی تلقی می شوند که بیشتر زبان آموزان در یادگیری آن مشکلات زیادی دارند. آنها تشخیص داده اند که واژگان هسته مرکزی زبان هستند و مشکلات موجود در جنبه های تولیدی و دریافتی زبانها، نتیجه دانش واژگانی کم می باشد. مطمئناً ما تکنیکهای متفاوتی را برای کمک به فراگیران برای غلبه بر مشکلات معرفی می کنیم. درحالیکه فراگیران با مشکلات عدیده ای برای یادگیری واژگان مواجه هستند و ممکن است نتوانند بر بسیاری از این مشکلات فائق بیایند. یکی از وظایف مهم هر معلمی است که فراگیران را با تکنیکها و راهکارهای مختلف یادگیری واژگان آشنا سازد و آنها را درگیر یادگیری نماید.

چون حجم واژگان معمولاً زیاد است و در کلاسها پرداختن به حجم وسیعی از واژگان امکان پذیر نیست و بیشتر معلمان وقتی را برای بحث در مورد هم آیی، ارتباط معنایی، سایر قسمتهای واژگان ندارند و اکثر آنها بر این باورند که اگر مهارتهای دستور زبان، خواندن، نوشتن را به دانش آموزان آموزش دهند، با درگیر شدن دانش آموزان با این فعالیت ها، واژگان نیز به خودی خود یاد گرفته می شوند.

در بیشتر موارد فراگیران، خودشان، از تکنیکهایی برای یادگیری بهتر واژگان استفاده می کنند. آنها با سعی و تلاش زیاد و استفاده از تکنیک های خود سعی بر غلبه بر مشکلات موجود دارند. بعضی از آنها نیز دستورهای خاص و منحصر به فردی را برای خود ابداع می کنند تا بتوانند واژگان را به بهترین وجه یاد بگیرند.

رفتارهای شخصی فراگیران زبان که برای یادگیری زبان و یا مهارتهای زبانی به کار می گیرند راهکارهای یادگیری<sup>۲</sup> نامیده می شوند. ولمر (۱۹۸۳)، راهکارهای یادگیری را بدین گونه

<sup>۱</sup> . Rivers

<sup>۲</sup> . learning strategies



تعریف می کند: "استراتژی<sup>۱</sup> (راهکار) اشاره به زیر مجموعه خاصی از روش شناختی دارد، که فراگیران، هر موقع که نتوانند مسائل را زود حل کنند یا به هدف مورد نظر با بکارگیری دانش و مهارت‌های موجود، نرسند، بکار می گیرند."

علاقه به مطالعه در مورد راهکارهای یادگیری زبان در طی چندین سال اخیر افزایش چشمگیری یافته است و دلایلی نیز برای این افزایش علاقه وجود دارد. یکی از آنها نقشی است که امروزه برای یادگیری نسبت به آموزش قائلند. یادگیرنده در برنامه های آموزشی دارای نقش فعال و مهمی در جریان آموزش می باشد.

از طریق مطالعه راهکارهای فراگیران، ما با دانش استراتژیک آنها آشنا می شویم. لفرانکوئیس<sup>۲</sup> (۱۹۷۲)، راهکارهای یادگیری را یک نوع دانش درباره اینکه چگونه کارها را انجام دهند، مسائل را حل کنند، یاد بگیرند و به خاطر بسپارند، بفهمند و شاید مهمتر اینکه چگونه فعالیتهای ذکر شده را بازننگری، ارزیابی و هدایت کنند می داند.

دیکاریکو<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، می گوید برای یادگیری زبان فراگیری واژگان و راهکارهای یادگیری آنها یک امر ضروری است. باید راهکارهای یادگیری واژگان را در هر زبانی مورد مطالعه قرار داد تا بتوان به فراگیران که مرکز و محور آموزش و یادگیری هستند کمک کرده و امر یادگیری را تسهیل بخشید. در زبانهای دیگر بویژه انگلیسی پژوهشهای فراوانی در این زمینه انجام شده که در پیشینه تحقیق به آنها پرداخته خواهد شد اما با توجه به تعدد مراکز آموزش زبان فارسی و زبان آموزان در ایران و خارج از ایران بررسی روشهای آموزش زبان فارسی و بویژه واژگان و راهکارهای یادگیری آنها که در این مراکز توسط زبان آموزان مورد استفاده قرار می گیرد ضروری به نظر می رسد. در این تحقیق سعی در بررسی استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان بویژه توسط خارجیان شده است.

## ۱-۲ هدف تحقیق

این تحقیق در نظر دارد که به بررسی نوع و فراوانی راهکارهای یادگیری واژگان<sup>۳</sup> زبان فارسی توسط خارجیان و تأثیر نگرش<sup>۴</sup> و سطح بسندگی<sup>۵</sup> فراگیران بر استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان فارسی بپردازد. چون فراگیران زبان تقریباً بیشتر زمان خود را برای یادگیری

<sup>۱</sup> . strategy

<sup>۲</sup> . Lefrancois

<sup>۳</sup> . vocabulary learning strategies

<sup>۴</sup> . learning beliefs

<sup>۵</sup> . proficiency level

عناصر واژگانی بوسیله استفاده از روش ها و راهکارهای خودشان صرف می کنند، بنابراین بررسی این راهکارها برای یادگیری واژگان بسیار مهم است.

### ۳-۱ سؤالات تحقیق

- با عنایت به چارچوب نظری تحقیق، سعی در پاسخ به سؤالات ذیل داریم.
- ۱- فراگیران خارجی زبان فارسی تا چه اندازه از راهکارهای یادگیری واژگان بطور کلی و زیرگروه های آن استفاده می کنند؟
  - ۲- آیا سطح بسندگی فراگیران تاثیری بر استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان و زیرگروه های آنها دارد؟
  - ۳- آیا نگرش فراگیران نسبت به یادگیری واژگان تاثیری بر استفاده از راهکارهای یادگیری واژگان و زیرگروه های آنها دارد؟

### ۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

واژه ها بخش اصلی سازنده زبان هستند. واحدهای معناداری که ساختارهایی مانند جمله، پاراگراف و کل یک متن را شکل می دهند. برای گویندگان بومی، اگرچه بیشترین رشد واژه در کودکی رخ می دهد ولی تا بزرگسالی به علت پاسخگویی به تجربیات، کشفیات، مفاهیم، گرایش های اجتماعی و فرصتهای یادگیری، ادامه پیدا می کند. در صورتیکه برای یادگیرندگان فراگیری یک واژه نوعاً یک فرایند آگاهانه است. حتی فراگیران سطوح پیشرفته از محدودیتهای دانش واژه ای زبان دوم شان آگاه هستند. آنها از شکافهای واژگانی استفاده می کنند، به این معنی که می خوانند در حالی که مفهوم آن واژه را نمی دانند. خیلی از فراگیران زبان دوم فراگیری زبان دوم را اساساً یادگیری واژگان آن می دانند و برای دستیابی به آن وقت زیادی را صرف حفظ کردن فهرستی از لغات زبان دوم می کنند و متکی به فرهنگ لغت دو زبانه به عنوان یک منبع ارتباطی می شوند. بعد از مدت زمان طولانی که صرف گسترش توانش دستوری شده، تحقیقات معلمان و زبانشناسان کاربردی به تدریج متوجه اهمیت یادگیری واژه و گسترش راههایی برای ارتقاء موثر آن شده است. بنابراین از نقطه نظرهایی متفاوت، واژگان را می توان به عنوان بخش متقدم در تدریس زبان دانست.

همانطور که قبلاً ذکر شد، در گذشته یادگیری و تدریس واژه، اغلب از تقدم و اهمیت کمی در برنامه های آموزش زبان دوم برخوردار بود. اما اخیراً، علاقه جدیدی به ماهیت واژه و نقش

آن در یادگیری و تدریس بوجود آمده است. در روش سنتی اغلب یادگیری واژه، نقش آن در تدریس و یادگیری به تأخیر می افتاد و به یادگیری واژه در کتابها و برنامه های زبان فقط توجه جزئی می شد. اکنون به نظر می رسد که واژه جایگاه معتبری پیدا کرده است، زیرا دیدگاه واژه گسترش یافته و شامل عبارتهای واژگانی و واژگان روزمره شده است.

به نظر می رسد که واژگان در گامهای اولیه یادگیری، نقش مهمی را در آموزش ارتباط ایجاد می کنند. به علاوه دسترسی به پیکره واژگانی این امکان را برای زبانشناسان کاربردی فراهم کرده است که به نمونه های زیادی از زبان به منظور پیدا کردن واژه هایی که چه به وسیله گویندگان بومی و چه بوسیله فراگیران زبان دوم به کار می رود، دسترسی پیدا کنند. یک چنین تحقیق هایی زبان شناسان کاربردی را قادر ساخته تا الگوهای هم نشینی متداول، ساخت واژه، استعاره و عبارتهای واژگانی را که قسمتی از توانایی گویندگان است را مشخص کنند.

همانطور که می دانید هدف اصلی یادگیری زبان، ایجاد ارتباط است و برای دستیابی به این هدف، آموزش واژگان نقش مهمی ایفا می کند. چرا که ایجاد ارتباط بدون دانستن واژگان مورد نیاز آن زبان، ممکن نیست و یکی از عوامل اصلی و تأثیر گذار در یادگیری و آموزش واژگان بکار بردن روشهای علمی و عملی مناسب و کارآمد و همچنین استفاده از راهکارهای یادگیری مؤثر می باشد.

### ۱-۳-۱ دلایل بی توجهی به واژه در گذشته

یکی از دلایلی که به واژه در طول سال های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ در برنامه های آمادگی معلم توجهی نمی شد، این بود که به آن در کلاسهای درس زبان در سالهای قبل تأکید زیادی شده بود و بعضی از مردم عقیده پیدا کرده بودند که تنها کلید یادگیری زبان یادگیری واژه می باشد. فراگیران بر این عقیده بودند که تمام آن چیزی را که نیاز دارند، تعداد زیادی واژه است و می توانند با یادگیری تعداد مشخصی واژه خارجی با معناهاشان به آن زبان مسلط شوند، ولی این عقیده اشتباه بود. چرا که علاوه بر داشتن واژه ها و معنای آنها، شخص باید بداند چگونه این واژه ها را در جمله با هم به کار ببرد. و این یکی از دلایلی است که در دهه های اخیر تأکید روی نحو و منظور شناسی در برنامه های آمادگی معلمان را سبب شده است.

در آن سالها معلمان تأکید زیادی بر دستور زبان داشتند و کمتر به روشهای آموزش تأکید می کردند. دلیل دیگر این بود که بعضی از متخصصان روش شناسی عقیده داشتند که نمی توان معنای واژه ها را بطور کافی آموزش داد. بنابراین مهمترین راه برای آنها این بود که سعی در تدریس واژه نکنند. در دهه ی ۱۹۵۰ تعداد زیادی از مردم متوجه این امر شدند که

یادگیری واژه موضوع ساده ای نیست و یک واژه مشخص در یک زبان همان معنا را در یک زبان دیگر دارا نمی باشد.

دلایل دیگر را می توان بدین صورت ذکر کرد که:

- در روشن تدریس معلمان تأکید زیادی بر روی دستور زبان نسبت به واژه شده است. زیرا تدریس واژه در کلاسها وقت زیادی را به خود اختصاص می دهد.
- متخصصان روش شناسی می ترسند از اینکه دانش آموزان واژه های زیادی را قبل از تسلط به دستور زبان پایه یاد بگیرند و در ساختار جمله اشتباهاتی را مرتکب شوند.
- به معلمان گفته می شد که معنای واژه ها تنها از طریق تجربه آموخته می شود تا اینکه در کلاسها به طور مناسب و کافی آموخته شود. در نتیجه توجه کمتری را به تکنیکها و روشهای تدریس واژه ها داشتند.

### ۱-۳-۲ دلایل تأکید امروزه بر واژه

امروزه در برنامه های آمادگی معلمان توجه بیشتری به روش های تدریس واژه می شود. یکی از دلایل آن این است که در بسیاری از کلاسها حتی اگر معلمان وقت زیادی را صرف تدریس واژه کنند می بینیم که بسیاری از واژه هایی که مورد نیاز هستند یاد داده نشده است. تعدادی از مطالعات اخیر به مشکلات واژگانی می پردازند.

در این تحقیقات در جستجوی مشکلات واژگانی هستند که مکرراً با ارتباطات تداخل دارند. زمانی که مردم نمی توانند واژه ها را درست به کار ببرند، ارتباط از بین می رود. این کشفیات باعث تعجب معلمان نشده است چرا که آنها خوب می دانند زمانی که فراگیران دایره واژگانی محدودی دارند ارتباطات متوقف می شود.

امروزه معلمان سؤالات زیر را برای تصمیم گیری در مورد تدریس واژه در نظر می گیرند:

- دانش آموزان برای یادگیری به چه واژه هایی بیشتر نیاز دارند؟
- چگونه می توانیم اهمیت این واژه ها را به دانش آموزان نشان دهیم؟
- چگونه می توانیم واژه های مورد نیاز را در طول مدت کوتاه به دانش آموزان بیاموزیم؟
- زمانی که تعدادی از افراد کلاس واژه هایی را می دانند که دیگران نیاز به یادگیری آنها ندارند چه کار باید کرد؟
- چرا یادگیری بعضی واژه ها آسانتر است؟